



معاونت حقوقی و امور مجلس قوه قضائیه

«لایحه اصلاح پاره‌ای از قوانین قوه قضائیه»

مهر ماه ۱۳۹۹

## «لایحه اصلاح پاره‌ای از قوانین قوه قضائیه»

### فصل اول - قانون مدنی

ماده ۱- ماده ۳۹۱ قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌شود:

در صورت مستحق‌الغیر درآمدن کل یا بعض از مبیع باید ثمن مبیع معادل قیمت روز کل یا بعض از مبیع را مسترد دارد و در صورت جهل مشتری به وجود فساد، بایع باید از عهده غرامات وارده بر مشتری نیز برآید.

### فصل دوم - قانون مجازات اسلامی

ماده ۲- یک تبصره به ماده (۱۷) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به شرح زیر الحاق می‌شود:

تبصره- هرگاه به تشخیص دادگاه، هزینه متعارف درمان مجنی‌علیه، بیش از میزان دیه تعیین شده اعم از مقدر و غیر مقدر برای وی باشد، در صورت مطالبه مجنی‌علیه یا ولی دم وی، مرتکب به پرداخت هزینه درمان نیز محکوم می‌شود.

ماده ۳- تبصره ۳ ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به شرح زیر اصلاح می‌شود:

تبصره ۳- در صورت تعدد مجازات‌های قانونی یک جرم، مجازات شدیدتر و در صورت عدم امکان تشخیص مجازات شدیدتر و همچنین در موردی که مجازات جزای نقدی با حبس توأم است، مجازات حبس ملاک است، اگر مجازات با هیچ یک از بندهای هشت گانه این ماده مطابقت نداشته باشد مجازات درجه هفت محسوب می‌شود.

ماده ۴- پنج تبصره به شرح زیر جایگزین تبصره‌های (۱) و (۲) ماده (۶۹۰) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ می‌گردد:

تبصره ۱- هر شخصی مال غیرمنقولی را که در تصرف غیر بوده است، گرچه به ادعای داشتن حقی به نحو عدوانی تصرف کند یا مزاحم استفاده متصرف شود و یا از حق انتفاع یا ارتفاق وی ممانعت نماید، پس از تقاضای ذی‌نفع مبنی بر رفع تصرف یا مزاحمت و یا ممانعت از حق، دادستان محل وقوع ملک مکلف است فوری ضمن صدور دستور به ضابطان دادگستری مبنی بر جلوگیری از ادامه تصرف عدوانی، ممانعت از حق یا ایجاد مزاحمت تا زمان صدور رأی قطعی، به تقاضای مزبور مطابق مقررات حاکم بر تحقیقات مقدماتی در دادسرا و بدون نیاز به رعایت تشریفات دادرسی حاکم بر دادگاه‌ها از جمله تشکیل جلسه دادرسی رسیدگی و حداکثر ظرف مدت یک ماه مبادرت به صدور رأی کند. چنانچه هر یک از طرفین دعوی برای اقامه دلیل مهلت بخواهند، مرجع رسیدگی‌کننده می‌تواند برای یک بار و حداکثر به مدت ده روز مهلت بدهد؛ مگر آن که به تشخیص مرجع مذکور آن دلیل مؤثر در دعوی نباشد و یا تقاضا با هدف اطاله رسیدگی صورت گرفته باشد.

تبصره ۲- نحوه انشای رأی و صدور دادنامه توسط دادستان و ابلاغ و اجرای آن، مطابق مقررات قانون آیین دادرسی کیفری است. در صورتی که ادعای مطروحه فاقد شرایط مقرر در این تبصره‌ها باشد، قرار رد شکایت صادر می‌شود و رأی صادره در اجرای مقررات پس از صدور قابل اجرا می‌باشد و اعتراض نسبت به رأی، مانع از اجرای آن نیست. این

رأی ظرف ده روز پس از ابلاغ، قابل اعتراض در دادگاه کیفری دو همان حوزه قضایی می‌باشد و رأی این دادگاه قطعی است. این رأی مانع از طرح دعوا توسط مدعی حق در سایر مراجع قضایی نیست. سایر مقررات مربوط به دعاوی تصرف عدوانی و ممانعت و مزاحمت از حق به شرح مقرر در فصل هشتم از باب سوم قانون آیین دادرسی مدنی در رسیدگی به این دعوا توسط دادستان جاری است. چنانچه متقاضی علاوه بر تقاضای رفع تصرف یا مزاحمت یا ممانعت از حق نسبت به جرم تصرف عدوانی، مزاحمت یا ممانعت از حق نیز شکایت داشته باشد، مطابق مقررات به این شکایت جداگانه رسیدگی می‌شود.

تبصره ۳- در مواردی که اجرای دستور دادستان توسط ضابطان دادگستری مبنی بر جلوگیری از ادامه تصرف عدوانی، ممانعت از حق یا ایجاد مزاحمت پیش از صدور رأی قطعی مستلزم قلع و قمع بنا یا قطع اشجار یا معدوم کردن زراعت باشد، با رعایت مواد (۱۶۴) و (۱۶۵) قانون آیین دادرسی مدنی، پس از قطعیت یافتن رأی دادستان اجرا می‌گردد.

تبصره ۴- چنانچه مال غیرمنقول موضوع این ماده، از اراضی و املاک خصوصی نباشد، دادستان مکلف است رأساً نسبت به اجرای مفاد این ماده اقدام کند و در این موارد، چنانچه متولی یا مسؤول نظارت یا مراقبت بر این اموال، در انجام وظایف قانونی خود تقصیری نماید یا علی‌رغم اطلاع از وقوع این جرایم، مراتب را به مقامات ذیصلاح گزارش ندهد، به حبس تعزیری درجه شش و انفصال از خدمت به مدت شش ماه تا یک سال محکوم می‌شود.

تبصره ۵- در هر مورد که کسی برای خارج کردن مال منقول از تصرف متصرف بدون رضایت او اقدام کند و یا مزاحم استفاده متصرف گردد مأمورین نیروی انتظامی هر یک در حوزه استحفاظی خود مکلفند به درخواست شاکی از مزاحمت و اقداماتی که برای تصرف عدوانی می‌شود جلوگیری نمایند اگرچه عمل مزبور به استناد ادعای حقی نسبت به آن مال باشد.

ماده ۵- ماده زیر به عنوان ماده ۵۹۸ مکرر به کتاب بنجم قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ الحاق می‌شود:  
هر یک از کارکنان دستگاه‌های اجرایی که از اجرای تکالیف مقرر قانونی خودداری کند و سبب ایراد خسارت به بیت‌المال یا اموال عمومی شود، به انفصال موقت از خدمات دولتی و عمومی سه تا پنج سال و جزای نقدی معادل خسارت وارده و به نحوی که از حداکثر جزای نقدی درجه یک بیشتر نباشد محکوم می‌شود.  
تبصره- در صورتی که دستگاه اجرایی مربوط جهت مطالبه خسارات وارده به بیت‌المال یا اموال عمومی اقدام ننماید، عمل ارتكابی مشمول مقررات این ماده بوده و دادستان بدون پرداخت هزینه دادرسی مکلف به اقدام قانونی جهت مطالبه خسارت است.

### فصل سوم - قانون آیین دادرسی کیفری

ماده ۶- یک تبصره به ماده (۳۸) قانون آیین دادرسی کیفری به شرح زیر الحاق می‌شود:

تبصره- نیروی انتظامی مکلف است با هدف توسعه فرهنگ صلح و سازش، ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، در کلیه مراجع انتظامی، «مرکز صلح و سازش و مددکاری» تأسیس نماید. حدود اختیارات و نحوه فعالیت این مرکز به‌موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف سه ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون، توسط معاونت حقوقی و امور مجلس قوه قضاییه و با همکاری وزارت دادگستری و وزارت کشور تهیه و پس از تأیید رییس قوه قضاییه، به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

ماده ۷- تبصره ماده (۴۸) قانون آیین دادرسی کیفری به شرح زیر اصلاح می‌شود:

تبصره- در جرایم سازمان‌یافته که مجازات آن‌ها مشمول بندهای (الف)، (ب) و (ت) ماده ۳۰۲ این قانون است و همچنین جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، جرایم تروریستی موضوع قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم و جرایم اقتصادی با میزان مال موضوع جرم ده میلیارد (۱۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال و بیشتر، در مرحله تحقیقات مقدماتی چنانچه قاضی پرونده ملاقات وکیل با متهم را با ضرورت کشف حقیقت منافی بداند می‌تواند حداکثر به مدت بیست روز از شروع تحت نظر یا بازداشت شدن متهم را از ملاقات با وکیل ممنوع نماید. پس از این مدت نیز چنانچه اطلاعات محرمانه‌ای در پرونده وجود داشته باشد ملاقات متهم با وکیل تحت نظارت مقام قضایی صورت می‌گیرد. حکم این ماده در مورد جرایم در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح نیز جاری است.

ماده ۸- یک تبصره به شرح زیر به ماده (۶۴) قانون آیین دادرسی کیفری الحاق می‌شود:

تبصره- رسیدگی به ادعای اعلام مفقودی و درخواست صدور المثنی برای هر نوع کارت شناسایی، اسناد و مدارک از صلاحیت مراجع قضایی خارج و بر عهده مرجع صادرکننده آن می‌باشد. مراجع صادرکننده مکلفند مطابق موازین قانونی به تقاضاهای مذکور رسیدگی نمایند.

ماده ۹- یک تبصره به‌عنوان تبصره ماده (۷۳) قانون آیین دادرسی کیفری به شرح زیر الحاق می‌شود:

تبصره- در صورتی که در جرایم موضوع بندهای «الف»، «ب»، «پ» و «ت» ماده (۳۰۲) این قانون از تاریخ ارجاع پرونده تا شش ماه و در سایر جرایم تا سه ماه، پرونده اتهامی منتهی به تصمیم نهایی در دادسرا نگردد، بازپرس مکلف است مراتب را با ذکر ادله و علت عدم اتخاذ تصمیم نهایی به اطلاع دادستان برساند. دادستان موظف است با مطالعه پرونده، تعلیمات لازم را جهت تسریع در تکمیل تحقیقات و اتخاذ تصمیم نهایی، کتباً به بازپرس ارایه نماید.

ماده ۱۰- ماده (۸۲) قانون آیین دادرسی کیفری به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۸۲- در کلیه جرایم قابل گذشت مرجع تعقیب می‌تواند ضمن اتخاذ تدابیر لازم به منظور جمع‌آوری و حفظ ادله جرم و رعایت حقوق شاکی، نظم عمومی و در صورت ضرورت انجام تحقیقات لازم، پیش از ارجاع پرونده، شکواییه یا گزارش مراجع انتظامی را به مرکز توسعه حل اختلاف، داوری و میانجی‌گری ارجاع دهد. در صورت گذشت شاکی، توسط آن مرکز قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود. اعتراض به این قرار تابع مقررات قانون آیین دادرسی کیفری است. در صورت عدم حصول صلح و سازش، مرکز توسعه حل اختلاف، داوری و میانجی‌گری ظرف حداکثر دو ماه از تاریخ

ارجاع، پرونده را به منظور اقدام قانونی به مرجع قضایی ارسال می‌کند. در مورد جنبه خصوصی جرایم غیر قابل گذشت درجه شش، هفت و هشت که مجازات آن‌ها قابل تعلیق است نیز بازپرس یا دیگر مقام قضایی که تحقیقات مقدماتی را به عهده دارد، می‌تواند مطابق مقررات این ماده اقدام کند. در این صورت مرکز موظف است تلاش لازم جهت حصول صلح و سازش انجام و حداکثر ظرف مدت دو ماه پرونده را به مرجع قضایی ارسال کند. اعمال مقررات این ماده در مورد جرایم اخیر، مانع انجام تحقیقات مقدماتی نیست.

ماده ۱۱- یک تبصره به شرح زیر به ماده (۸۶) قانون آیین دادرسی کیفری الحاق می‌شود:

تبصره- چنانچه در جرائم درجه هفت و هشت شرایط مقرر در صدر این ماده وجود داشته باشد، دادستان مکلف است مطابق این ماده اقدام نماید. در صورت طرح پرونده نزد بازپرس، وی نیز مکلف است مراتب را به دادستان اعلام کند. در صورت توأم بودن تحقیقات مقدماتی جرایم مزبور با جرایم درجه شش یا بالاتر مقررات این تبصره اعمال نمی‌شود.

ماده ۱۲- یک تبصره به شرح زیر به ماده (۹۲) قانون آیین دادرسی کیفری الحاق می‌شود:

تبصره- در انجام تحقیقات مقرر در این ماده حدود اختیارات، وظایف و مسئولیت‌های دادیار و نحوه ارتباط وی با دادستان همان است که در مورد بازپرس مقرر شده است.

ماده ۱۳- یک تبصره به عنوان تبصره (۳) به ماده (۱۱۹) قانون آیین دادرسی کیفری به شرح زیر الحاق می‌شود:

تبصره ۳- مقام قضایی مجری نیابت مکلف است در اسرع وقت نسبت به اجرای قرار نیابت قضایی صادر شده در پرونده های کیفری و حقوقی اقدام و حداکثر ظرف یک ماه از تاریخ ارجاع، نتیجه اقدامات یا در صورت عدم انجام، علت آن را ثبت و به مرجع قضایی معطی نیابت اعلام نماید، در غیر این صورت به مجازات انتظامی درجه چهار محکوم می‌شود.

ماده ۱۴- یک تبصره به ماده (۲۹۹) قانون آیین دادرسی کیفری به عنوان تبصره (۳) این ماده الحاق می‌شود:

تبصره ۳- دادگاه عمومی بخش در رسیدگی به جرایم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر و روان گردان‌های صنعتی غیرداریوی مصوب ۱۳۷۶/۰۸/۱۷ با اصلاحات و الحاقات بعدی آن، با رعایت مقررات این ماده و ماده (۳۳۷) این قانون اقدام می‌کند.

ماده ۱۵- ماده (۳۴۰) قانون آیین دادرسی کیفری به شرح زیر اصلاح می‌شود:

- عبارت «جرایم تعزیری درجه هفت و هشت به طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود. در این مورد و سایر» از صدر ماده ۳۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری حذف می‌شود.

ماده ۱۶- یک تبصره به عنوان تبصره ۲ به شرح زیر به ماده ۴۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری الحاق می‌شود:

- چنانچه رأی مرجع رسیدگی کننده به تجدیدنظر یا فرجام خواهی و اعاده دادرسی با حکم محکومیت دیگری که در آن دادنامه صادر شده معارض باشد به نحوی که این دو رأی غیرقابل تفکیک باشند و یا صدور آن‌ها قابل جمع

نباشد یا صدور رأی جدید ملازم با نقض رأی دیگر باشد، مرجع رسیدگی کننده علی‌رغم عدم درخواست ذینفع رأی دیگر را نیز نقض و حسب مورد مطابق مقررات آیین دادرسی کیفری اقدام می‌شود.

ماده ۱۷- بند (پ) ماده (۴۷۰) قانون آیین دادرسی کیفری به شرح زیر اصلاح و یک تبصره به آن الحاق می‌شود:  
پ- در صورت نقض حکم در غیر موارد مذکور، دادگاه می‌تواند بر مفاد رأی دادگاه قبلی اصرار کند. چنانچه این حکم مورد فرجام‌خواهی واقع شود و شعبه دیوان عالی کشور پس از بررسی، استدلال دادگاه را بپذیرد، حکم را ابرام می‌کند و در غیر این صورت، پرونده در هیأت عمومی اصراری شعب کیفری مطرح می‌گردد. در صورت تأیید نظر دادگاه صادرکننده حکم، هیأت مزبور حکم صادره را ابرام و در صورت اعتقاد به نقض آن، هیأت ضمن نقض، مبادرت به انشاء رأی می‌کند. در صورتی که هیأت عمومی اصراری پرونده را به علت نقض تحقیقات قابل رسیدگی نداند با ذکر موارد نقض، پرونده را به شعبه دیوان عالی کشور اعاده می‌نماید. شعبه دیوان مطابق قسمت (۲) بند (ب) ماده (۴۶۹) اقدام می‌کند.

تبصره- هیأت اصراری کیفری و حقوقی دیوان عالی کشور با ریاست رییس دیوان عالی کشور و یا یکی از معاونان وی، حضور دادستان کل یا نماینده او و حسب مورد حضور حداقل ۱۵ نفر از رؤسا، مستشاران یا اعضای معاون دیوان عالی کشور تشکیل می‌شود. انتخاب اعضا به تشخیص رییس دیوان عالی کشور بوده و هیأت با حضور حداقل سه چهارم تمام اعضا رسمیت می‌یابد. نظر اکثریت حاضرین ملاک انشاء رأی و صدور رأی به عهده رییس هیأت است. رییس دیوان عالی کشور می‌تواند به صورت تخصصی هیأت‌های اصراری متعدد کیفری یا حقوقی تشکیل دهد. وظایفی که به موجب قانون در مرحله اجرای حکم به دادگاه صادرکننده حکم قطعی محول شده است، در خصوص رأی صادره از هیأت اصراری، بر عهده دادگاه بدوی مربوطه است.

ماده ۱۸- دو تبصره به شرح زیر به عنوان تبصره (۱) و (۲) به ماده (۴۷۶) قانون آیین دادرسی کیفری الحاق می‌شود:

تبصره ۱- متقاضی اعاده دادرسی باید جهت یا جهات اعاده دادرسی را در تقاضای خود تعیین کند. در رأی دیوان عالی کشور نیز جهت یا جهات اعاده دادرسی به طور دقیق تعیین می‌شود و درخواست اعاده دادرسی از همان جهت که در رأی دیوان عالی کشور قید شده یا متقاضی ذکر کرده است، برای بار دوم پذیرفته نمی‌شود.

تبصره ۲- درخواست اعاده دادرسی، موضوع بند (الف) ماده (۴۷۵) این قانون پس از پرداخت سه برابر هزینه دادرسی فرجام‌خواهی، قابل پذیرش است.

ماده ۱۹- تبصره‌های ماده (۴۷۷) قانون آیین دادرسی کیفری به شرح زیر اصلاح و دو تبصره به آن الحاق می‌شود:  
تبصره ۱- آراء قطعی مشمول این ماده اعم از آراء حقوقی و کیفری شامل احکام و قرارهای صادره از دیوان عالی کشور، سازمان قضایی نیروهای مسلح، دادگاه‌های تجدیدنظر و بدوی و دستور موقت دادگاه‌ها و شورای حل اختلاف است. علاوه بر این قرارهای دادسرا که اعتبار امر مختومه داشته و مانع از رسیدگی مجدد است نیز مشمول مقررات این ماده است.

تبصره ۲- در صورتی که رئیس دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور، رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح و یا رئیس کل دادگستری استان در انجام وظایف قانونی خود آراء مضمول این ماده را خلاف شرع بین تشخیص دهند، می‌توانند با ذکر مستندات از دیوان عالی کشور تقاضای تجویز اعاده دادرسی نمایند. مقررات این تبصره بیش از یک بار قابل اعمال نیست و هیچگونه تقاضایی از اصحاب دعوا و یا وکلاء آنان و همچنین مقامات مقرر در این تبصره در غیر از مواردی که پرونده در راستای انجام وظیفه قانونی جهت رسیدگی تحت نظر آنان است، برای اجرای مقررات این ماده قابل رسیدگی قضایی نیست. در صورت تجویز اعاده دادرسی از سوی شعبه دیوان عالی کشور به شرح زیر اقدام می‌شود:

الف- اگر حکم در دیوان عالی کشور ابرام یا توسط دادگاه کیفری یک و یا دادگاه کیفری هم‌تراز آن صادر و به هر علت قطعی شده باشد، همچنین آراء حقوقی که به موجب قانون قابل فرجام است اعم از اینکه فرجام خواهی شده باشد یا نه، شعبه دیوان عالی کشور آن را نقض و مبادرت به رسیدگی و انشاء رأی مقتضی اعم از شکلی و ماهوی می‌نماید.

ب- در سایر موارد، دادگاه تجدیدنظر حکم یا قرار را نقض و مبادرت به رسیدگی و صدور حکم می‌نماید. اگر حکم قطعی توسط دادگاه تجدیدنظر صادر شده باشد پرونده به شعبه هم‌عرض ارجاع می‌شود. اگر موضوع اعمال مقررات این تبصره قرار دادسرا باشد دادگاه تجدیدنظر به طور مستقیم مبادرت به انجام تحقیقات و رسیدگی می‌کند.

تبصره ۳- در مواردی که به تشخیص رئیس قوه قضائیه یا دیگر مقامات قضایی مقرر در تبصره یک، حکم صادره خلاف مسلمات قانونی باشد، حسب مورد مطابق این ماده و تبصره‌های آن اقدام می‌شود. اختلاف استنباط از قانون و شرع مضمول مقررات این ماده نمی‌شود، یعنی رأی حسب مورد باید خلاف مسلمات فقهی و قانونی باشد.

تبصره ۴- آراء صادره در مرحله اعاده دادرسی موضوع این ماده اگر توسط رئیس قوه قضائیه خلاف شرع بین تشخیص داده شود، مضمول صدر این ماده خواهد بود.

تبصره ۵- در مورد پرونده‌های قاچاق کالا و ارز رسیدگی شده در شعب تجدیدنظر ویژه سازمان تعزیرات حکومتی که در اجرای تبصره ۱ و ۲ این ماده توسط رئیس سازمان خلاف شرع بین و یا خلاف مسلمات قانونی تشخیص داده می‌شود، در صورت تایید نهایی مراتب توسط رئیس دیوان عالی کشور و تجویز اعاده دادرسی، پرونده جهت رسیدگی مجدد به شعبه هم‌عرض ارجاع تا این شعبه در صورت تشخیص ضمن نقض رای قطعی صادره، مبادرت به رسیدگی و صدور حکم نماید. در مواردی که رئیس قوه قضائیه حکم قطعی صادره از شعب موصوف را خلاف شرع بین تشخیص دهد، با تجویز اعاده دادرسی، پرونده به شعبه هم‌عرض تجدیدنظر ویژه ارجاع تا مبنیاً بر نظر رئیس قوه قضائیه حکم را نقض و نسبت به رسیدگی مجدد و صدور رای اقدام شود.

ماده ۲۰- ماده (۵۲۰) قانون آیین دادرسی کیفری به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۵۲۰- اعطای مرخصی به زندانیان در صورت رعایت ضوابط و مقررات زندان و مشارکت در برنامه‌های اصلاحی و تربیتی و کسب امتیازات لازم مطابق آیین‌نامه موضوع ماده (۵۲۸) این قانون است.

ماده ۲۱- مهلت لازم از تاریخ انتشار آگهی برای احضار متهم یا خوانده تا تاریخ برگزاری جلسه رسیدگی در امور حقوقی و کیفری از قبیل مهلت یک ماه مقرر در مواد (۱۷۴) و (۶۱۶) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی آن و نیز ماده (۷۳) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ در تمامی موارد، به «ده روز» تغییر می‌یابد

### فصل چهارم - آیین دادرسی مدنی و اجرای احکام مدنی

ماده ۲۲- عنوان قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ به قانون آیین دادرسی مدنی تبدیل، ماده ۲۷ آن به شرح زیر اصلاح و تبصره آن حذف می‌شود:

ماده ۲۷- در صورتی که دادگاه رسیدگی‌کننده خود را صالح به رسیدگی نداند با صدور قرار عدم صلاحیت، پرونده را به دادگاه صلاحیت‌دار ارسال می‌نماید. دادگاه مرجوع‌الیه مکلف است خارج از نوبت نسبت به صلاحیت اظهارنظر نماید و چنانچه ادعای عدم صلاحیت را نپذیرد، پرونده را جهت حل اختلاف به مرجع صالح ارسال می‌کند.

ماده ۲۳- ماده ۲۸ آن به شرح زیر اصلاح و یک تبصره به آن الحاق می‌شود:

ماده ۲۸- هرگاه بین دادگاه‌ها در مورد صلاحیت اختلاف محقق شود، همچنین اگر مراجع قضایی به اعتبار مراجع غیرقضایی از خود نفی صلاحیت کنند یا خود را صالح بدانند، چنانچه در حوزه قضایی یک استان باشد پرونده برای حل اختلاف یا تعیین مرجع صالح به دادگاه تجدیدنظر همان استان و چنانچه در حوزه قضایی دو استان مختلف باشد به دیوان عالی کشور ارسال می‌شود. به موارد مقرر در این ماده و تبصره آن در شعب اول دادگاه تجدیدنظر و دیوان عالی کشور رسیدگی می‌شود. رأی صادره در خصوص تشخیص صلاحیت لازم‌الاتباع است.

تبصره- در صورت اختلاف در صلاحیت بین دادگاه نظامی و دیگر دادگاه‌های کیفری حل اختلاف با دیوان عالی کشور است.

ماده ۲۴- یک تبصره به شرح زیر به ماده ۶۱ قانون آیین دادرسی مدنی الحاق می‌شود:

عناوین دعاوی مالی توسط رییس قوه قضاییه پس از اخذ نظر مشورتی شورایی مرکب از معاونان اول حقوق و امور مجلس مالی و امور پشتیبانی رییس دیوان عالی کشور و دادستان کل کشور اعلام می‌شود.

ماده ۲۵- یک تبصره به ماده (۶۴) قانون آیین دادرسی مدنی، به شرح زیر الحاق می‌شود:

تبصره- در دعاوی که موضوع آن مطالبه وجه نقد و دعوا مستند به سند است اعم از رسمی و عادی است. مرجع رسیدگی می‌تواند بدون صدور دستور تعیین وقت رسیدگی ابلاغ دادخواست و ضمایم را مقرر نماید. پس از انقضای یک هفته از تاریخ ابلاغ به خوانده اعم از این که پاسخی رسیده یا نرسیده باشد، دادگاه به ترتیب زیر اقدام می‌کند:



۱- چنانچه خواننده پاسخی نداده یا با ملاحظه پاسخ او، پرونده را معدّ صدور رأی تشخیص دهد، رأی مقتضی صادر می‌کند.

۲- در صورتی که ابلاغ پاسخ خواننده را به خواهان مقتضی بداند، دستور لازم را صادر می‌کند و چنانچه خواهان ظرف یک هفته به دفاع خواننده پاسخ دهد، آن را به خواننده ابلاغ و با انقضای مهلت یک هفته از تاریخ ابلاغ مطابق بند یک عمل می‌کند.

۳- در صورتی که با وجود تبادل لوایح مذکور در بندهای یک و دو، استماع اظهارات و دفاع حضوری طرفین را ضروری بداند، با صدور دستور وقت رسیدگی و تعیین موارد توضیح، طرفین را دعوت و در جلسه تعیین شده، حسب مورد پس از استماع اظهارات اتخاذ تصمیم می‌کند.

۴- در دادرسی‌های عادی مهلت طرح ایرادات و اقامه دعوی طاری توسط طرفین حسب مورد یک هفته از تاریخ ابلاغ دادخواست و ضمایم به خواننده یا ابلاغ پاسخ او به خواهان است.

۵- مفاد این تبصره در دیگر مواردی که دعوی مستند به سند راجع به مال منقول بوده و به تشخیص مرجع رسیدگی دلایل دعوی قوی باشد نیز جاری است.

ماده ۲۶- ماده (۷۱) قانون آیین دادرسی مدنی به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۷۱- ابلاغ اوراق قضایی در خارج از کشور به اتباع ایرانی از طریق سامانه الکترونیک قوه قضاییه صورت می‌پذیرد. ایرانیان خارج از کشور موظفند برای استفاده از خدمات قضایی نشانی خود را در سامانه الکترونیک ثبت نمایند. در مورد اتباع خارجی یا اتباع ایرانی تا قبل از ثبت نشانی در سامانه، ابلاغ به وسیله مأموران کنسولی یا سیاسی ایران به عمل می‌آید. مأموران یاد شده اوراق قضایی را به وسیله مأمورین سفارت و یا هر وسیله‌ای که امکان داشته باشد برای مخاطب می‌فرستند و مراتب را از طریق وزارت امور خارجه به اطلاع مرجع قضایی می‌رسانند. در صورتی که در کشور محل اقامت مخاطب، مأموران کنسولی یا سیاسی نباشد این اقدام را وزارت امور خارجه به طریقی که مقتضی بداند انجام می‌دهد.

ماده ۲۷- یک ماده به‌عنوان ماده (۱۰۳) مکرر به قانون آیین دادرسی مدنی به شرح زیر الحاق می‌شود:

ماده ۱۰۳ مکرر- در هر مرحله از رسیدگی و اجرای حکم چنانچه دعاوی متعدد علیه شخص واحد در حوزه‌های قضایی مختلف طرح شده باشد و به تشخیص دادستان کل کشور حفظ نظم و امنیت عمومی رسیدگی توأم را ایجاب نماید به تقاضای وی و تجویز دیوان عالی کشور، احاله پرونده از حوزه یا حوزه‌های قضایی رسیدگی کننده به حوزه قضایی دیگر صورت می‌گیرد. شعبه دیوان ظرف ده روز با ملاحظه پیشنهاد دادستان کل کشور در صورت پذیرش احاله نسبت به تعیین یک حوزه قضایی برای رسیدگی اقدام می‌نماید. دادستان کل کشور مکلف است پس از درخواست احاله مراتب را به طرق مقتضی به دادگاه یا دادگاه‌های رسیدگی کننده اعلام نماید. درخواست احاله موجب توقف رسیدگی نمی‌گردد، ولی صدور رأی یا اجرای آن تا زمان اتخاذ تصمیم دیوان معلق می‌شود.

تصمیم دیوان از طریق دادستان کل کشور به دادگاه مربوط ابلاغ تا حسب مورد نسبت به ارسال پرونده به دادگاه احاله شونده یا رفع تعلیق از رسیدگی و صدور یا اجرای حکم اقدام نماید.

تبصره ۱- دادگاه احاله شونده می‌تواند با رعایت قواعد دادرسی الکترونیک از طریق ارتباط صوتی و تصویری جلسات دادرسی را تشکیل دهد و اظهارات خواهان‌ها را استماع نماید.

تبصره ۲- در صورتی که در خصوص موضوع مورد احاله، بعضی از دعاوی در مرحله تجدیدنظر مطرح باشد، این دادگاه پس از اطلاع از احاله، پرونده را به دادگاه احاله شونده ارسال می‌کند تا پس از رسیدگی به پرونده‌ها و صدور رأی مقتضی به همراه پرونده مورد رسیدگی جهت رسیدگی توأمان به تجدیدنظرخواهی به دادگاه تجدیدنظر ارسال کند. چنانچه بعضی از دعاوی در مرحله فرجام‌خواهی مطرح باشد، اگر دیوان رأی را نقض کند پرونده برای رسیدگی به دادگاه احاله شونده ارسال می‌شود و در صورت تأیید رأی اجرای آن زیر نظر دادگاه احاله شونده است.

تبصره ۳- تمام پرونده‌های اجرایی که قبل از پذیرش احاله مختومه نشده است، مشمول احاله است و زیر نظر دادگاه احاله‌شونده توأمان اجرا می‌شود.

تبصره ۴- دادگاه احاله‌شونده ظرف ده روز پس از وصول پرونده‌ها با انتشار آگهی عمومی و در صورت لزوم از طریق صدا و سیما، مدت یک ماه به اشخاصی که مدعی حقی بر خواننده یا خوانندگان دعوی موضوع احاله باشند فرصت می‌دهد تا دعوی خود را اقامه نمایند. اقامه دعوی مزبور چنانچه در غیر حوزه قضایی احاله شونده طرح شود، دادگاه مکلف است در راستای احاله، پرونده‌ها را در پایان مهلت، به دادگاه احاله‌شونده ارسال نماید. عدم طرح دعوی در مهلت مقرر، مسقط حق اقامه دعوی آنان پس از مهلت نخواهد بود و رسیدگی به آن وفق مقررات در دادگاه صالح انجام می‌شود.

تبصره ۵- در صورتی که در ارتباط با موضوع مورد احاله رأی داوری صادر شده باشد، رسیدگی به دعوی بطلان رأی داور یا اجرای آن بر عهده دادگاهی است که در نتیجه احاله رسیدگی می‌کند.

ماده ۲۸- ماده ۳۰۴ قانون آیین دادرسی مدنی به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۳۰۴- در صورتی که خوانندگان متعدد باشند و بعضی از آن‌ها در جلسه دادرسی حاضر شده یا دفاع کتبی نموده یا ابلاغ اخطاریه به آن‌ها واقعی باشد، دادگاه نسبت به کسی که حاضر شده است رسیدگی را انجام می‌دهد لکن صدور حکم را به تأخیر انداخته و خواننده غایب را برای یک نوبت دیگر دعوت می‌نماید. در اخطاریه باید تصریح شود که در صورت عدم حضور در جلسه دادرسی حکم دادگاه حضوری است. در این صورت اگر خواننده غایب در جلسه حاضر نشود یا دفاع کتبی نماید یا ابلاغ اخطاریه به او واقعی نباشد، دادگاه رسیدگی را تکمیل و نسبت به تمام خوانندگان حکم صادر می‌کند. این حکم حضوری است.

ماده ۲۹- ماده ۳۶۷ قانون آیین دادرسی مدنی به شرح زیر اصلاح می‌شود:

آرای دادگاه‌های بدوی که به علت عدم درخواست تجدیدنظر قطعیت یافته قابل فرجام‌خواهی نیست مگر در موارد زیر:

## الف- احکام؛

- ۱- احکامی که خواسته آن بیش از مبلغ یک میلیارد (۱۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال باشد؛
  - ۲- احکام راجع به اصل نکاح و فسخ آن، طلاق، نسب، حجر، وقف، ثلث، حبس و تولیت.  
ب- قرارهای زیر مشروط به این که اصل حکم راجع به آن‌ها قابل رسیدگی فرجامی باشد:
    - ۱- قرار ابطال یا رد دادخواست یا دعوا که از دادگاه صادر شده باشد.
    - ۲- قرار سقوط دعوا یا عدم اهلیت یکی از طرفین دعوا.
- ماده ۳۰- ماده ۳۶۸ قانون آیین دادرسی مدنی به شرح زیر اصلاح و سه تبصره به آن الحاق می‌شود:  
آرای دادگاه‌های تجدیدنظر استان در موارد زیر قابل فرجام‌خواهی می‌باشد:

## الف- احکام:

- ۱- احکام راجع به اصل نکاح و فسخ آن، طلاق، نسب، حجر و وقف؛
  - ۲- احکام مالی که خواسته یا ارزش خواسته آن بیش از یک میلیارد ریال باشد؛
  - ۳- احکام راجع به تخلیه اماکن تجاری مشمول قانون روابط موجر و مستأجر سال ۱۳۵۶.  
ب- قرارهای زیر مشروط به اینکه اصل حکم راجع به آن‌ها قابل رسیدگی فرجامی باشد:
    - ۱- قرار ابطال یا رد دادخواست یا دعوا؛
    - ۲- قرار سقوط دعوی یا عدم اهلیت یکی از طرفین دعوا.
- تبصره ۱- گواهی عدم امکان سازش که به درخواست زوج و یا با توافق زوجین صادر می‌شود قابل فرجام نیست.
- تبصره ۲- فرجام‌خواهی اشخاص مانع فرجام‌خواهی دادستان کل کشور در دعاوی راجع به حقوق عامه، دولت، امور خیریه و اوقاف عامه و امور محجوران و غائب مفقودالثر بی‌سرپرست از طریق مواد ۳۸۷ و ۳۸۸ و ۳۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی نمی‌باشد.
- تبصره ۳- آرای قطعی دادگاه‌های بدوی در صورتی که خواسته مالی و در مقام تجدیدنظر از آراء صادر شده باشد و در نصاب آراء قابل فرجام باشد قابل فرجام است.
- ماده ۳۱- عبارت «طرح این ادعا به موجب دادخواست جداگانه نیز ممکن است» از ماده (۵۰۵) قانون آیین دادرسی مدنی حذف و تبصره آن به تبصره ۱ تغییر و تبصره‌های ۲، ۳ به شرح زیر به آن الحاق می‌شود:
- تبصره ۲- در دعوی راجع به اعسار از هزینه دادرسی در مرحله نخستین، دادگاه در جلسه اول دادرسی به هر دو ادعا یکجا رسیدگی و در این جلسه نسبت به اعسار مبادرت به صدور رأی می‌نماید. این رأی در صورتی که بر رد ادعای اعسار از هزینه دادرسی صادر شده باشد به صورت حضوری یا با ابلاغ‌نامه به مدعی اعسار ابلاغ می‌شود و چنانچه نامبرده ظرف ۵ روز از تاریخ ابلاغ رأی هزینه دادرسی را پرداخت نکند، دادگاه قرار رد دعوا را صادر می‌کند. رأی دادگاه در خصوص اعسار و نیز قرار رد دعوی موضوع این ماده قطعی است.
- تبصره ۳- در صورتی که ضمن دادخواست تجدیدنظر یا فرجام، اعسار از هزینه دادرسی آن مرحله ادعا شده باشد. مرجع صدور رأی تجدیدنظر خواسته یا فرجام خواسته پس از ابلاغ دادخواست و انقضای مهلت پاسخ به تجدیدنظر

یا فرجام نسبت به اعسار از هزینه دادرسی اتخاذ تصمیم می‌کند. رأی دادگاه نسبت به اعسار از هزینه دادرسی قطعی است.

ماده ۳۲- یک ماده به عنوان ماده ۳۴ مکرر به قانون اجرای احکام مدنی الحاق می‌گردد:

«در احکام محکومیت قطعی به پرداخت وجه یا تحویل مال، با صدور حکم قطعی، دفتر دادگاه مکلف است بلافاصله نسبت به توقیف اموال غیرمنقول محکوم علیه و اموال منقولی که دارای سند ثبت شده نزد مقامات رسمی هستند و همچنین توقیف تمام حساب های بانکی محکوم علیه اقدام کند. اداره ثبت اسناد و املاک ذیربط مکلف است در هر مورد که استعلامی از دفاتر اسناد رسمی در خصوص ملک یا املاک محکوم علیه واصل می‌شود، ضمن پاسخ استعلام به مراتب توقیف ملک نیز اشاره نماید. در این صورت دفتر اسناد رسمی از تنظیم سند اجاره یا انتقال ملک یا منافع آن به ثالث ممنوع است. هر رفتاری از سوی کارکنان مشمول این ماده بر خلاف مقررات مذکور و همچنین عدم اعلام مراتب به دفتر اسناد رسمی طرف استعلام از سوی اداره ثبت یا تنظیم سند رسمی اجاره، انتقال ملک یا منافع آن به ثالث بدون توجه به پاسخ ثبت جرم محسوب می‌شود و حسب مورد موجب انفصال از خدمات دولتی عمومی و یا محرومیت از اشتغال به مدت شش ماه تا دو سال است. در صورتی که هر نوع معامله اعم از منقول و غیرمنقول با سند عادی یا رسمی نسبت به اموال موضوع این ماده منعقد شود، مشمول ماده ۵۶ این قانون است.»

### فصل پنجم - جرم‌زدایی و قضازدایی

الف- قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی

ماده ۳۳- یک ماده به شرح زیر به قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب ۱۳۹۰ به عنوان ماده پنج مکرر الحاق می‌شود:

ماده ۵ مکرر- رفتارهای مقرر در بندهای زیر تخلف محسوب و مرتکب توسط واحد رسیدگی موضوع ماده ۵ این قانون به این شرح به جریمه نقدی محکوم می‌شود:

الف- هر کس در ارقام و مشخصات پلاک وسایل نقلیه موتوری زمینی، آبی یا کشاورزی تغییر دهد و یا پلاک وسیله نقلیه موتوری دیگری را به آن الصاق نماید یا برای آن پلاک تقلبی بکار برد یا چنین وسایلی را با علم به تغییر و یا تعویض پلاک تقلبی مورد استفاده قرار دهد و همچنین هر کس به نحوی از انحاء در شماره شاسی، موتور یا پلاک وسیله نقلیه موتوری و یا پلاک‌های موتور و شاسی که از طرف کارخانه سازنده حک یا نصب شده بدون تحصیل مجوز از راهنمای و رانندگی تغییر دهد و آن را از صورت اصلی کارخانه خارج کند، برای بار اول به ... ریال جریمه و در صورت ارتکاب مجدد به بیش از ... ریال جریمه نقدی محکوم می‌شود؛

ب- هر کس بخواهد وسیله نقلیه موتوری را اوراق کند مکلف است مراتب را با تعیین محل توقف وسیله نقلیه به راهنمایی و رانندگی محل اطلاع دهد، راهنمایی و رانندگی محل باید ظرف مدت یک هفته اجازه اوراق کردن وسیله

نقلیه را بدهد و اگر به دلایلی با اوراق کردن موافقت ندارد تصمیم قطعی خود را ظرف همان مدت با ذکر دلیل به متقاضی ابلاغ نماید، هرگاه راهنمایی و رانندگی هیچ گونه اقدامی در آن مدت نکرد اوراق کردن وسیله نقلیه پس از انقضای مدت مجاز است. تخلف از این حکم برای اوراق کننده موجب محکومیت از بیست تا پنجاه میلیون ریال جریمه نقدی خواهد بود.

پ- چنانچه وسیله موتوری یا پلاک آن سرقت یا مفقود شود، شخصی که وسیله در اختیار و تصرف او بوده است اعم از آن که مالک بوده یا نبوده پس از اطلاع مکلف است بلافاصله مراتب را به نزدیک ترین مرکز نیروی انتظامی اعلام نماید، متخلف از این ماده به جریمه نقدی از بیست تا پنجاه میلیون ریال محکوم خواهد شد.

ت- هر کس بدون گواهینامه رسمی اقدام به رانندگی و یا تصدی وسایل موتوری که مستلزم داشتن گواهینامه مخصوص است، بنماید و همچنین هر کس به موجب حکم دادگاه از رانندگی وسایل نقلیه موتوری ممنوع باشد یا در مدت ضبط گواهینامه به رانندگی وسایل مزبور مبادرت ورزد برای بار اول به ده تا سی میلیون ریال و در صورت ارتکاب مجدد به بیش از سی تا هفتاد میلیون ریال جریمه نقدی محکوم می شود.

ث- هر راننده وسیله نقلیه ای که در دستگاه ثبت سرعت وسیله نقلیه عمداً تغییری دهد که دستگاه سرعتی کمتر از سرعت واقعی نشان دهد و یا با علم به اینکه چنین تغییری در دستگاه مزبور داده شده با آن وسیله نقلیه رانندگی کند تخلف محسوب می شود و برای بار اول به ده تا بیست میلیون ریال و در صورت ارتکاب مجدد به بیش از بیست تا پنجاه میلیون ریال جریمه نقدی محکوم می شود.

ج- در صورتی که میزان الکل موجود در خون راننده ده میلی گرم درصد و بیشتر باشد متخلف سی تا پنجاه میلیون ریال جریمه نقدی جریمه محکوم می شود.

ب) قانون ثبت احوال

ماده ۳۴- ماده (۳) قانون ثبت احوال به شرح زیر اصلاح می شود:

ماده ۳- در مقر هر اداره ثبت احوال هیأتی به نام هیأت حل اختلاف مرکب از فرماندار یا بخش دار یا نمایندگان آنان، رئیس اداره ثبت احوال محل و پزشک منتخب رئیس شبکه بهداشت و درمان استان و رئیس شورای اسلامی شهر و یا بخش محل صدور شناسنامه تشکیل می شود. این هیأت برای رسیدگی به موارد مقرر در بندهای یک و دو با حضور و ریاست یکی از قضات به انتخاب رئیس کل دادگستری استان تشکیل می شود. جلسات هیأت با حضور اکثریت اعضا تشکیل می شود. قاضی عضو هیأت پس از اخذ نظر مشورتی اعضا انشاء رأی می کند. صلاحیت هیأت حل اختلاف به قرار زیر است:

۱- ابطال اسناد ثبت احوال.

۲- تغییر تاریخ تولد.

۳- تغییر نام و ابطال اسناد مکرر و یا موهوم و تصحیح اشتباه در ثبت جنس صاحب سند.

۴- تصحیح اشتباهات مندرج در دفاتر، اسناد هویتی و گواهی‌ها، ناشی از تحریر یا اعلام. همچنین تکمیل آن‌ها از حیث مشخصاتی که نامعلوم و یا نانویس بوده است.

۵- حذف کلمات زائد، غیر ضرور و یا ناشی از اشتباه در اسناد هویتی. تعیین مصادیق کلمات زائد و غیر ضرور با پیشنهاد سازمان و تأیید شورای عالی خواهد بود.

ماده ۳۵- ماده (۴) قانون ثبت احوال به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۴- رسیدگی به شکایات اشخاص ذی‌نفع از تصمیمات در هیأت تجدیدنظر حل اختلاف ظرف بیست روز پس از ابلاغ آن امکان‌پذیر می‌باشد. این هیأت مرکب از مدیرکل یا معاون ثبت احوال استان و یکی از معاونان استاندار و عضویت و ریاست یکی از قضات تجدیدنظر استان، با معرفی رییس کل دادگستری استان می‌باشد. هیأت تجدیدنظر حل اختلاف در اداره کل ثبت احوال مرکز استان تشکیل می‌شود و جلسات آن با حضور تمامی اعضا رسمیت می‌یابد. قاضی عضو هیأت پس از اخذ نظر مشورتی اعضا انشاء رأی می‌کند.

تبصره- چنانچه تصمیم هیأت حل اختلاف مورد اعتراض واقع نشده باشد، در صورتی که مدارک و مستندات جدیدی ارائه شود که در تصمیم هیأت مذکور مؤثر واقع شود با درخواست هیأت یا مدیرکل ثبت احوال استان یا حسب ارجاع رییس سازمان ثبت احوال کشور، موضوع توسط کمیسیون تجدیدنظر مورد بررسی قرار می‌گیرد و در صورت پذیرش درخواست، موضوع جهت رسیدگی مجدد به هیأت حل اختلاف ذی‌ربط ارجاع می‌شود.

ماده ۳۶- یک تبصره به ماده (۴) قانون ثبت احوال به شرح زیر الحاق می‌شود:

تبصره- در مواردی که دادگاه در راستای رسیدگی به دعاوی مانند اثبات یا سلب نسب و یا جرایمی مانند جعل سند، حکمی قطعی صادر کرده باشد، ابطال و صدور اسناد سجلی مرتبط به آن بدون نیاز به طرح دعوای جدید مطابق دستور مقام قضایی مجری حکم صورت می‌گیرد.

پ) قانون کار

ماده ۳۷- یک تبصره به‌عنوان تبصره ۳ به ماده (۹۶) قانون کار به شرح زیر الحاق می‌شود:

تبصره ۳- در کلیه مواردی که در کارگاه‌های مشمول قانون کار، حادثه یا بیماری ناشی از کار منجر به ایراد صدمه بدنی یا فوت کارگر یا سایر اشخاص گردد، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی یا وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (حسب مورد) مکلف به انجام بازرسی و تهیه گزارش بوده و چنانچه به تشخیص بازرس کار یا کارشناس بهداشت حرفه‌ای علت حادثه ناشی از نقض مقررات قانونی و وقوع جرم از سوی کارفرما یا مدیران و مسؤولان کارگاه باشد و یا مصدومین یا اولیای دم متوفی مدعی وقوع جرم باشند باید مراتب حداکثر در ظرف ۴۸ ساعت از زمان اطلاع از حادثه یا بیماری، به مقام قضایی ذی‌ربط (از طریق ادارات متبوع آن‌ها) اعلام گردد. مقررات این تبصره نافی تکالیف قانونی وزارتخانه فوق‌الذکر و سایر دستگاه‌ها در پیشگیری از حوادث و بیماری حرفه‌ای ناشی از کار نیست.

ماده ۳۸- یک تبصره به‌عنوان تبصره ۴ به ماده (۱۰۵) قانون کار به شرح زیر الحاق می‌شود:

تبصره ۴- قوه قضاییه مکلف است در مراکز استان‌ها و شهرستان‌های بالای پانصد هزار نفر جمعیت نسبت به تعیین شعب ویژه در دادسراها و دادگاه‌ها جهت رسیدگی به موارد مذکور در تبصره‌های ۱ و ۳ این ماده و نیز رسیدگی به جرایم مذکور در این قانون اقدام نماید.

ماده ۳۹- سه تبصره به‌عنوان تبصره‌های ۱، ۲ و ۳ به ماده (۱۵۷) قانون کار به شرح زیر الحاق می‌شود:  
تبصره ۱- رسیدگی به دعوای مطالبه خسارت تأخیر تأدیه ناشی از عدم پرداخت به‌موقع حقوق و مزایای کارگر و نیز سایر دعوای مربوط به مطالبه خسارت قراردادی و اجرت‌المثل در صلاحیت مراجع حل اختلاف مذکور در این ماده است.

تبصره ۲- در رسیدگی به اختلافات کارگران و کارفرمایان، بطلان یا انفساخ یا فسخ قرارداد کار به هر علت، نافی صلاحیت مراجع حل اختلاف کار نخواهد بود. این مراجع صلاحیت رسیدگی به ادعای بطلان یا انفساخ یا فسخ قرارداد کار را نیز دارا هستند.

تبصره ۳- به دعوای ناشی از کار کارگران تبعه خارجه نیز که در ایران اشتغال به کار دارند به جز در مواردی که مقررات خاصی در خصوص رسیدگی به دعوای آن‌ها حاکم است، در مراجع حل اختلاف موضوع این ماده رسیدگی می‌شود.

ماده ۴۰- دو تبصره به‌عنوان تبصره‌های ۱ و ۲ به ماده (۱۶۶) قانون کار به شرح زیر الحاق می‌شود:  
تبصره ۱- در مواردی که آرای قطعی دادگاه کیفری موضوع ماده ۱۸۳ قانون کار یا مراجع حل اختلاف کار مبنی بر الزام کارفرما به پرداخت حقوق بیمه‌ای کارگر (سهم کارفرما) به سازمان تأمین اجتماعی صادر می‌گردد، اجرای آرای مزبور حسب مورد با اعلام قاضی اجرای احکام کیفری یا اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی ذی‌ربط، مطابق ماده ۵۰ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ و آیین‌نامه اجرایی آن از سوی سازمان تأمین اجتماعی صورت می‌پذیرد و در هر صورت سازمان مزبور مکلف به احتساب سوابق بیمه‌ای کارگر مطابق آرای یادشده است.

تبصره ۲- در صورتی که مرجع حل اختلاف کار، رأی قطعی مبنی بر بازگشت کارگر به کار صادر نماید، رأی مزبور جنبه اعلامی داشته و نیاز به صدور اجراییه نمی‌باشد. در صورت خودداری کارفرما از پذیرش کارگر مطابق مقررات ماده ۲۰ قانون کار رفتار می‌شود.

ماده ۴۱- دو تبصره به‌عنوان تبصره‌های ۱ و ۲ به ماده (۱۷۱) قانون کار به شرح زیر الحاق می‌شود:  
تبصره ۱- کارفرمایان مکلف هستند نسبت به بیمه مسئولیت مدنی خود و کارگران کارگاه در قبال خسارات جانی و مالی ناشی از کار که در حین انجام وظیفه کارگران یا به مناسبت آن وارد می‌گردد اقدام نمایند. تخلف از تکلیف مقرر در این ماده از سوی کارفرما مستوجب مجازات جزای نقدی به ازای هر کارگر ۲۰۰ تا ۵۰۰ برابر حداقل مزد روزانه کارگر در سال مربوط است. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مکلف است در اجرای این ماده نظارت لازم را معمول دارد.

تبصره ۲- آیین‌نامه اجرایی این ماده ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون توسط بیمه مرکزی ایران با همکاری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و دادگستری تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد. آیین‌نامه اجرایی باید به نحوی باشد که امکان جبران خسارت زیان‌دیده (اعم از کارگران و اشخاص ثالث) بدون نیاز به رأی مراجع قضایی وجود داشته باشد.

### فصل ششم- مقررات ثبتي

ماده ۴۲- ماده ۴۷ قانون ثبت اسناد و املاک کشور به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۴۷- کلیه معاملات راجع به اموال غیرمنقول ثبت شده مانند بیع، صلح، اجاره و رهن باید به طور رسمی در دفاتر اسناد رسمی تنظیم شود. اسناد عادی که در خصوص معاملات راجع به اموال غیرمنقول ثبت شده تنظیم شوند قابلیت استناد در هیچ مرجع اعم از قضایی و یا اداری را ندارند. دلالت، مشاوران و بنگاه‌های معاملات ملکی مکلفند پس از تنظیم مذاکره مقدماتی و تعهدات طرفین با دریافت حق دلالتی برابر تعرفه، نسبت به درج پیش‌نویس قرارداد در سامانه‌ای که ظرف مدت شش ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون توسط سازمان ثبت اسناد و املاک کشور با همکاری کانون سردفتران اسناد رسمی طراحی و اجرا می‌شود اقدام و جهت تنظیم سند رسمی به دفاتر اسناد رسمی منعکس نمایند این امر مانع مراجعه مستقیم مردم به دفاتر اسناد رسمی نمی‌باشد. تعهدات مندرج در پیش‌نویس قرارداد و همچنین مشخصات طرفین و ملک برای تنظیم سند رسمی دارای اعتبار است و مبنای تنظیم سند رسمی خواهد بود. تا تنظیم سند رسمی یا منتفی شدن تعهدات قبلی به علت قانونی صدور پیش‌نویس جدید و ورود اطلاعات آن به سامانه مقدور نمی‌باشد. چگونگی طراحی و اجرای سامانه مذکور و ارتباط دلالت، مشاوران و بنگاه‌های معاملات ملکی با دفاتر اسناد رسمی، تعرفه دلالت، مشاوران و بنگاه‌های معاملات ملکی تعرفه دفاتر اسناد رسمی و تقسیم اسناد بین دفاتر اسناد رسمی به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف مدت سه ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون توسط سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تهیه و به تصویب رییس قوه قضاییه می‌رسد.

ماده ۴۳- ماده (۲) قانون افراز و فروش املاک مشاع مصوب ۱۳۵۷/۸/۲۲ به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۲- تصمیم واحد ثبتی قابل اعتراض از طرف هر یک از شرکا در هیأت نظارت موضوع ماده ۲۵ قانون ثبت اسناد و املاک است. مهلت اعتراض ده روز از تاریخ ابلاغ تصمیم مورد اعتراض می‌باشد، رأی هیأت نظارت وفق مقررات قابل اعتراض در شورای عالی ثبت است.

ماده ۴۴- مواد (۵) و (۶۹) قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۵۴/۴/۲۵ با اصلاحات بعدی، نسخ می‌شود. نحوه تصدی و واگذاری دفاتر اسناد رسمی پس از بازنشستگی یا فوت و یا به هر دلیل قانونی دیگر مطابق آیین‌نامه‌ای است که توسط سازمان ثبت اسناد و املاک ظرف سه ماه پس از تصویب این قانون تهیه می‌شود و به تصویب رییس قوه قضاییه می‌رسد.



## فصل هفتم - قانون نظام صنفی

ماده ۴۵- تبصره (۲) ماده (۷۲) قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۹۲ به شرح ذیل اصلاح می‌شود:  
« رسیدگی به تخلفات موضوع مواد ۵۷ (گرانفروشی) ۵۸ (کم فروشی) ۵۹ (تقلب) ۶۰ (احتکار) و ۶۳ (عدم اجرای ضوابط قیمت گذاری و توزیع) در کلیه موارد توسط شعب سازمان تعزیرات حکومتی انجام خواهد شد.»

ماده ۴۶- تبصره (۸) ماده (۷۲) قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۹۲ نسخ می‌شود و یک تبصره به عنوان تبصره (۸) به شرح زیر به این ماده الحاق می‌شود.

تبصره ۸- ادامه فعالیت واحد متخلف در مواجهه با موارد تهدید بهداشت عمومی، اضرار به حقوق مصرف- کنندگان، استمرار تخلف و محو آثار آن به تشخیص رییس شعبه رسیدگی کننده تا زمان صدور رأی یا حداکثر به مدت یکماه پلمب می‌شود و هم‌زمان یا پیش از آن راجع به کالاهای موجود در واحد تعیین تکلیف خواهد شد.»

## فصل هشتم- مقررات اداری و استخدامی

ماده ۴۷- یک تبصره به‌عنوان تبصره (۲) به ماده (۵۱) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ و اصلاحات بعدی آن، به شرح زیر الحاق می‌شود:

تبصره ۲- در مواردی که رییس قوه قضاییه با اختیارات حاصل از بند ۱ اصل یکصد و پنجاه و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تشکیلات متناسب با وظایف قوه قضاییه ایجاد کرده است، با رعایت مقررات قانون برنامه‌های پنج ساله توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی علاوه بر استخدام کادر قضایی مجاز به استخدام کارکنان اداری متناسب با تشکیلات می‌باشد. دولت مکلف است متناسب با تشکیلات و نیروی انسانی قوه قضاییه، در قوانین بودجه سنواتی ردیف بودجه مربوط را پیش‌بینی نماید.

ماده ۴۸- عبارت «رییس دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور، معاونان رییس قوه قضاییه و رییس دیوان عدالت اداری» به ادامه بند (ب) ماده (۷۱) قانون مدیریت خدمات کشوری و عبارت «و هم‌چنین تعیین هم‌ترازی سمت‌های صاحب‌منصبان قضایی و اداری قوه قضاییه به عهده رییس قوه قضاییه است» به ادامه تبصره یک ماده مذکور الحاق می‌شود.

ماده ۴۹- یک تبصره به ماده (۱۰۷) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ و اصلاحات بعدی آن، به شرح زیر الحاق می‌شود:

تبصره- قضاتی که مدت خدمت آنان به سی سال تمام برسد، در صورت تمایل و تا زمانی که قوه قضاییه نیازمند خدمت آنان باشد، ضمن دریافت حقوق و مزایای جاری و هم‌چنین دریافت علی‌الحساب پاداش پایان خدمت و حقوق ایام مرخصی استفاده نشده، می‌توانند به خدمت خود ادامه دهند. در این مدت فوق‌العاده‌ای به‌عنوان فوق‌العاده خدمت

مازاد بر سی سال، معادل هشتاد درصد حقوق و مزایای فعلی ماهانه پرداخت می‌شود. این فوق‌العاده مشمول کسور بازنشستگی نبوده و به عنوان فوق‌العاده غیرمستمر تلقی می‌شود.

ماده ۵۰- یک تبصره به‌عنوان تبصره (۶) به ماده (۱۱۷) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ و اصلاحات بعدی آن، به شرح زیر الحاق می‌شود:

تبصره ۶- به منظور ارتقاء بهره‌وری و حفظ قضات باتجربه و متخصص، اعداد مبنای گروه شغلی قضات به شرح مندرج در تبصره (۱) این ماده به ترتیب به ۲۰ و ۲۸۰ افزایش می‌یابد.

ماده ۵۱- یک ماده به‌عنوان ماده (۱۲۷ مکرر) به قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ و اصلاحات بعدی آن، به شرح زیر الحاق می‌شود:

ماده ۱۲۷ مکرر- کلیه دستگاه‌های اجرایی در سطح استانی و ملی، هیأتی به منظور رسیدگی به شکایات کارکنان در امور مالی یا اداری، استخدامی علیه دستگاه متبوع خود که تصمیم‌گیری در آن در صلاحیت دیوان عدالت اداری می‌باشد، مرکب از نماینده واحد حقوقی، بالاترین مقام اداری مرجع مربوط یا نماینده وی و ذی‌حساب یا عامل ذی‌حساب و نماینده معاون اداری- مالی و نماینده حراست دستگاه ذی‌ربط تشکیل می‌شود. رأی هیأت با حضور تمام اعضاء رسمیت می‌یابد و تصمیم‌گیری با اکثریت آراء است. رأی هیأت به نفع کارمند در همه امور اداری و مالی لازم‌الاجرا است و اجرای آن برای همه کارکنان و مسؤولان دستگاه‌ها الزامی است. این رأی در هر حال قابل شکایت در دیوان عدالت اداری نیست. صلاحیت این هیأت نافی صلاحیت دیوان عدالت اداری نمی‌باشد. هزینه اجرای این حکم ذیل اعتبارات هر دستگاه اجرایی پیش‌بینی می‌شود. رأی هیأت مانع از شکایت ذی‌نفع در دیوان عدالت اداری نیست. آیین‌نامه اجرایی این ماده ظرف مهلت سه ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط سازمان امور اداری و استخدامی و با همکاری وزارت کشور و وزارت دادگستری تهیه و پس از تأیید رییس قوه قضاییه به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

ماده ۵۲- یک ماده به‌عنوان ماده (۱۲۸ مکرر) به قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ و اصلاحات بعدی آن، به شرح زیر الحاق می‌شود:

ماده ۱۲۸ مکرر- وزارت دادگستری مکلف است متناسب با نیازهای کارکنان قوه قضاییه طرح‌های مربوط به مسکن و دیگر خدمات رفاهی قضات و کارکنان اداری را در سراسر کشور با هماهنگی دستگاه‌های اجرایی به‌ویژه وزارت راه و شهرسازی و بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری در اجرای صدر اصل یکصد و شصتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تهیه نماید. دولت نیز مکلف است بودجه مستقلی برای این‌گونه طرح‌ها تحت ردیف خدمات رفاهی وزارتخانه مذکور تخصیص دهد. اجرای این وظیفه مستلزم تفویض اختیار رییس قوه قضاییه نمی‌باشد.

ماده ۵۳- یک تبصره (به ماده ۱۲۸) به قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ و اصلاحات بعدی آن، به شرح زیر الحاق می‌شود:

تبصره- نرخ مالیات بر درآمد حقوق و مزایای قضات پس از کسر معافیت‌های مقرر در قانون محاسبات عمومی و بودجه سالیانه به نرخ مقطوع ده درصد (۱۰٪) خواهد بود و پس از ۳۰ سال خدمت مشمول ماده (۹۱) قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ و اصلاحات بعدی است. /ای ۶۰۴-۹۹